

برای فرزند خود توضیح دهید که اعتقاد به یک دین خاص ممکن است باعث ایجاد تفاوت‌هایی با دیگران گردد.

● شبیه بودن و تفاوت داشتن با دیگران را برای فرزندتان توضیح دهید. به فرزندتان بگویید که همه ما ممکن است از جنبه‌های مهمی با دیگران تفاوت داشته باشیم. با او درباره تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که در محیط پیرامونش مشاهده می‌کند، صحبت کنید (به‌عنوان مثال درباره تفاوت‌های بین پدر و مادر، خواهر بزرگ و برادر کوچک، دوستی که در همسایگی اوست با دوست هم‌کلاسی‌اش، پسرخاله و پسر دایی) شما می‌توانید تفاوت افراد بزرگ را با افراد کوچک شرح دهید و... یک نوجوان نیز می‌تواند با عقاید و نظریات گوناگون آشنا شده و اختلافات فکری را ملاحظه کند.

● رضایت از آنچه که هستیم.

کودکان به‌مرور که بزرگ می‌شوند، شخصیت خود را به‌عنوان کسی که

با والدین، دوستان و همکلاسی‌هایش تفاوت دارد، احساس می‌کنند. با این کودکان به نحوی برخورد کنید که اعتماد به نفس آن‌ها تقویت شود، صرف نظر از اینکه آیا این تفاوت شخصیتی از مهارت‌های خاص او ناشی می‌شود و یا مربوط به شکل و قیافه، نوع شغل و درآمد، یا مربوط به اعتقادات او می‌باشد.

● یادداشت تشکری برای خدا بنویسید.

فرزندتان را تشویق کنید به اتفاقاتی که در طول روز رخ داده، توجه داشته باشد. مثلاً اینکه او کیست؟ با چه دوستانی بازی کرده است؟ چه نوع اسباب بازی را دوست دارد؟ چه نوع غذایی را خورده است؟ و در طول روز چه فکری درباره خدا کرده است:

● «هویت خود» را ثبت کنید.

فرمی تهیه کنید که در آن سؤالاتی نظیر نام، سن، جنسیت، نژاد، زبان، قد، رنگ مو و پوست صورت، دیگر علائم مشخصه، مهارت‌های خاص و موفقیت‌ها، دوستان صمیمی، سرگرمی‌ها، چیزهای مورد علاقه و اظهار نظر درباره خدا نوشته شده باشد. آن را به فرزندتان بدهید تا پر کند. شما نیز می‌توانید نظرات خود را زیر آن بنویسید.

● نحوه تصمیم‌گیری را به فرزندتان بیاموزید.

تصمیم‌گیری، مهارتی اکتسابی است. کودکانی که والدینشان به آن‌ها فرصت داده‌اند تا خود تصمیم‌گیری کنند و از تجارب و اشتباهات خود درس بیاموزند، در جمع دوستان خود منفعل نخواهند بود. این کودکان بیش از اینکه تأثیرپذیر باشند، تأثیرگذار خواهند شد.

* سنین چهار تا پنج سالگی

این کودکان را همیشه بین دو انتخاب خوب قرار دهید تا خودشان تصمیم بگیرند. به عنوان مثال به جای اینکه بگویید «دوست داری داستانی برایت بخوانم؟» از او بپرسید «به کدام داستان علاقه داری؛ دوست داری این داستان را برایت بخوانم یا آن دیگری را؟»

* سنین مدرسه ابتدایی

حوزه انتخاب و تصمیم‌گیری فرزندان را توسعه دهید. به عنوان مثال از او بپرسید: «دوست داری چه کتابی را مطالعه کنی تا برایت تهیه کنم؟»، «آیا دوست داری دعای سر سفره را تو بخوانی؟»

* سنین مدرسه راهنمایی

نوجوان، به سنی رسیده است که می‌تواند درباره نحوه رشد روحی - معنوی خود تصمیم بگیرد. از او بپرسید: «کدام کار خیر را می‌خواهی انجام دهی؟» یا «آیا می‌خواهی امروز تو پیش‌نماز خانواده باشی؟»

فرزندان را برای موقعیت‌های خاصی که ممکن است در آن قرار بگیرد، آماده کنید.

برای اکثر والدین قابل پیش‌بینی است که فرزندشان با قبول یک رفتار مذهبی در محیطی غیرمذهبی، دچار چه نوع فشارها و واکنش‌هایی خواهد شد. به او کمک کنید تا این موقعیت‌ها را با اعتماد به نفس پشت سر بگذارد.

● نقش بازی کنید.

خود را در موقعیت آن دسته از دوستان وی قرار دهید که او را تمسخر می‌کند. سپس فرزندان را در این تجربه و تمرین اصلاح کنید.

● درباره «فرق داشتن با دیگران» با او صحبت کنید.

به او بگویید تفاوت داشتن با دیگران نه تنها چیز بدی نیست بلکه عاملی است که باعث استقلال هویت افراد از یکدیگر می‌شود. تجربیات دوران کودکی خود را برای او نقل کنید تا خود را در فشار محیط دوستانش تنها احساس نکند. به او اطمینان بدهید کسانی که با دیگران تفاوت دارند، قادر به ایجاد تغییرات مهم هستند. به او بگویید داشتن ایمان و مذهب در واقع هدیه‌ای الهی است ولی همواره از مغرور شدن او به اینکه برتر و بهتر از دیگران است، جلوگیری کنید.